

## بررسی رابطه بین تأمین مالی با تغییرات محرک های محافظه کاری (مشروط) حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

اکبر امینی مهر<sup>۱\*</sup>، مریم سرداری کاوکانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷ - ۱۹۳۹۵ تهران، ایران  
<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷ - ۱۹۳۹۵ تهران، ایران

### چکیده

در این پژوهش اثر تأمین مالی بر روی تغییرات سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی بررسی شده است. برای این منظور از اطلاعات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر روی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ استفاده شده است. جهت سنجش محافظه کاری مشروط از مدل باسو استفاده شده است. به منظور بررسی تأثیر تأمین مالی بر روی محافظه کاری مشروط نیز، ساختارهای تأمین مالی به مدل باسو اضافه شده است. نتایج پژوهش نشان داد، شرکت هایی که از طریق بدهیهای بلندمدت تأمین مالی میکنند، بر خلاف انتظار، نه در دوره ی تأمین مالی و نه در دوره قبل از آن سطح محافظه کاری مشروط را کاهش نمی دهند. اما شرکت هایی که از طریق حقوق صاحبان سهام تأمین مالی می کنند، مطابق انتظار، هم در دوره تأمین مالی و هم در دوره قبل از آن، سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش می دهند؛ زیرا این کار باعث بهبود انتظارات سرمایه گذاران و سهامداران از عملکرد آتی شرکت شده و تأمین مالی کاراتری را به دنبال دارد.

واژه های کلیدی: تأمین مالی، محافظه کاری، بورس

**۱. مقدمه**

محافظه کاری حسابداری را به عنوان گرایش حسابداری به به کارگیری درجه بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد تعریف کرد پژوهشهای اخیر محافظه کاری را به دو نوع مشروط و نامشروط تقسیم کردند. باسو اظهار مینماید، محافظه کاری تأییدپذیری متفاوت برای شناسایی درآمدها و هزینه ها است، که منجر به کم نمایی سود و داراییها میشود. او در سال بیان کرد، این تعریف، بیانگر محافظه کاری مشروط است محافظه کاری مشروط که محافظه کاری پس رویدادی یا محافظه کاری وابسته به اخبار نیز نامیده میشود، به مفهوم شناسایی به موقع تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب، در صورت سود (زیان) است؛ به عنوان مثال شناسایی فوری زیان در قراردادهای پیمانکاری. نوع دیگر محافظه کاری، محافظه کاری نامشروط یا پیش‌رویدادی و یا مستقل از اخبار است. این نوع محافظه کاری از به کار گیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی میشود که سود را به گونه های مستقل از اخبار اقتصادی کاهش میدهند. مانند شناسایی بدون درنگ مخارج تحقیق و توسعه یا مخارج تبلیغات به عنوان هزینه و نه به عنوان دارایی (کردستانی، ۱۳۸۶).

محافظه کاری مزایای متفاوتی دارد که از مهمترین آنها، انعقاد قراردادهای کارا، کاهش دعاوی حقوقی، کاهش یا به تعویق انداختن مالیات، خنثی کردن تمایل جانبی مدیران کاهش هزینه های سیاسی، کاهش کشمکش بین بستانکاران و سهامداران، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت های کوچک، کاهش فشارها و تهدیدات رقابتی و افزایش کیفیت اطلاعات مالی را میتوان نام برد. در مقابل همه این منافع اتخاذ رویکرد محافظه کارانه هزینه های نیز دارد که مهمترین آن کاهش انتظارات از عملکرد آتی واحد تجاری خواهد بود (کردلر، ۱۳۸۸).

فلسام در پژوهشی در این زمینه بیان کرد، محافظه کاری نامشروط باعث کاهش خالص ارزش دارایی های گزارش شده است، در صورتی که محافظه کاری مشروط به کاهش انتظارات از عملکرد آتی منجر میشود؛ زیرا محافظه کاری مشروط با زودتر شناسایی کردن اخبار بد و نامساعد نسبت به اخبار خوب و مساعد، تصویری نامناسب از وضعیت واحد تجاری ارائه می کند. پایین بودن انتظارات از عملکرد آتی، ارزش کمتر اوراق بهادار شرکت را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا تحلیلگران و سرمایه گذاران بازار، تا حدودی اعمال محافظه کاری در گزارشگری مالی را در نظر میگیرند ولی قادر به انعکاس کامل آن نیستند.

پژوهش های متعدد، در شرایط عادی اتخاذ رویکرد محافظه کارانه را پیشنهاد می کنند زیرا منافع اتخاذ رویکرد محافظه کارانه بیشتر از هزینه های آن است اما به نظر میرسد در مواقع نیاز به تأمین مالی، هزینه های ناشی از پایین بودن انتظارات از عملکرد آتی، بیشتر و حادثتر از سایر دوره ها باشد. حال سؤال اساسی پژوهش به این صورت مطرح میشود که آیا واحدهای تجاری در مواقع نیاز به تأمین مالی (از طریق بدهی یا حقوق صاحبان سهام)، سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش میدهند یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا واحدهای تجاری در دوره های تأمین مالی، اخبار و علائم بد و نامساعد را کمتر در گزارشهای حسابداری منعکس میکنند یا در مخابره آنها تغییراتی ایجاد نمیکنند؟ انتظار داریم شرکت ها در این مواقع سطح محافظه کاری مشروط خود را کاهش دهند و بدین ترتیب انتظارات بازار از عملکرد آتی خود را بهبود بخشیده و با کمترین هزینه سرمایه تأمین مالی داشته باشند (قائمی، ۱۳۸۹).

**۱.۱- پیشینه ی پژوهش**

پژوهش های متعددی عوامل وجود محافظه کاری در گزارشهای مالی را بررسی کردند.

واتس این عوامل را در چهار مورد خلاصه میکند که شامل؛ وجود قراردادهای گوناگون بین واحد تجاری و ذینفعان برون سازمانی، احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه واحد تجاری، کاهش یا به تعویق انداختن مالیات پرداختنی و خنثی کردن تمایل ذاتی مدیران جهت ارائه گزارشهای اغراق آمیز است.

گوی و وریکچیلیا بیان کردند، محافظه کاری عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سایر ذینفعان برون سازمانی واحد تجاری را کاهش می دهد.

زیمرمن و کردلر و شهریاری اظهار میکنند که شرکت های بزرگ در تلاش برای کاستن از هزینه های سیاسی، در ارایه گزارشهای مالی، محافظه کارانه عمل می کنند. در مقابل ایتردیز بیان میکنند، به دلیل بالا بودن مشکل نمایندگی در شرکت های کوچک و تازه تأسیس، محافظه کاری در این نوع شرک تنها بیشتر از شرکت های بزرگ است.

یافته های نوپس گویای این است که بالا بودن اهرم و در نتیجه وجود کشمکش بین بستانکاران و سهامداران مخصوصا در حوزه سیاستهای تقسیم سود، عاملی دیگر برای اتخاذ رویکرد محافظه کارانه است. فلسام بیان میکنند که علت به کارگیری محافظه کاری نامشروط سختی ارزیابی دارایی هاست در حالی که دلیل اصلی تقاضا برای محافظه کاری مشروط خنثی کردن تمایل جانب دارانه مدیریت به ارایه گزارش های اغراق آمیز است. پژوهشهای زیادی بالا بودن تهدیدات رقابتی را از عوامل مهم اتخاذ رویکرد محافظه کارانه بیان کردند. مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران از محافظه کاری به عنوان اصل احتیاط یاد کرده و آن را از خصوصیات کیفی اطلاعات مالی می دانند.

در حوزه ارتباط بین تأمین مالی و محافظه کاری تحقیقاتی صورت گرفته است، گرچه تعداد آنها چندان قابل توجه نیست. فرانسز بیان کرد که محافظه کاری از یک طرف باعث کاهش انتظارات از عملکرد آتی و از طرف دیگر با بالا بردن کیفیت اطلاعات مالی باعث کاهش ریسک کلی شرکت میشود. او در ادامه بیان میکند، کاهش این دو عامل مؤثر بر هزینه سرمایه، متناسب هم بوده و با خنثی کردن اثر همدیگر باعث میشوند هزینه سرمایه شرکت ثابت باقی بماند. از تئوریهای حسابداری و مدیریت مالی چنین بر میآید که با افزایش کیفیت اطلاعات مالی، هزینه سرمایه بدهی کاهش پیدا می کند. ایکسلی در پژوهشی با عنوان اثر محافظه کاری حسابداری بر روی هزینه های سرمایه در سطح بین المللی به این نتیجه رسید که کشوهای با رویکرد حسابداری محافظه کارانه هزینه سرمایه به مراتب کمتر نسبت به بقیه کشورها دارند. تاؤوما بیان کرد، که بین هر دوی انتظارات از عملکرد آتی و حجم سرمایهگذاری با محافظه کاری ارتباط منفی و معنادار برقرار است.

فلسام نشان داد، مؤسسات قبل از صدور سهام و اوراق بدهی، کمتر از حسابداری محافظه کارانه استفاده میکنند. او در ادامه بیان میکند تغییرات سطوح محافظه کاری در دورههای تأمین مالی، اثر معنادار بر روی کیفیت یا ریسک اطلاعات مالی ندارد. کردستانی و مجدی رابطه بین ویژگی های کیفی سود و هزینه سرمایه سهام عادی را مورد بررسی قرار دادند. یکی از فرضیه های پژوهش بیان میکرد، بین محافظه کاری در حسابداری و هزینه سرمایه رابطه معناداری وجود دارد که یافته های پژوهش نشان دهندهی رد این فرضیه بود.

## ۲.۱- مبانی نظری

همچنان که بیان شد اتخاذ رویکردهای محافظه کارانه منافع و هزینه هایی برای واحدهای تجاری به دنبال دارد. واحدهای تجاری با به کارگیری اصل منفعت و هزینه رویکرد مناسب خود را اتخاذ می کنند. پژوهش های متعدد، در کشورهای مختلف بیانگر اتخاذ رویکرد محافظه کارانه در شرایط عادی (دوره هایی که نیاز به تأمین مالی وجود ندارد) است؛ زیرا منافع آن بیشتر از هزینه ی آن است.

بر اساس یافته های فلسام مهمترین هزینه اتخاذ رویکرد محافظه کاری مشروط، کاهش انتظارات بازار از عملکرد آتی واحدهای تجاری خواهد بود، بنابراین، انتظار داریم هزینه اتخاذ رویکرد محافظه کاری مشروط در دوره های نیاز به منابع مالی (بدهی بلند مدت یا حقوق صاحبان سهام) بیشتر و حادثر از بقیه دوره ها باشد. از اینرو واحدهای تجاری در تلاش برای به حداکثر رساندن ثروت دینفعان سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را به منظور تأمین مالی کاراتر، کاهش خواهند داد. بر اساس آنچه که پیشتر گفته شد فرضیه های پژوهش را به صورت زیر میتوان مطرح کرد:

۱- واحدهای تجاری در دوره های که قصد تأمین مالی از طریق بدهی بلندمدت دارند، به منظور بهبود انتظارات از عملکرد آتی، سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش میدهند.

- ۲- واحدهای تجاری در دوره‌های که قصد تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام دارند، به منظور بهبود انتظارات از عملکرد آتی، سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند.
- ۳- واحدهای تجاری قبل از دوره‌های که قصد تأمین مالی از طریق بدهی بلندمدت دارند؛ به منظور بهبود انتظارات از عملکرد آتی، سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند.
- ۴- واحدهای تجاری قبل از دوره‌های که قصد تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام دارند، به منظور بهبود انتظارات از عملکرد آتی، سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند.

### ۳.۱- اهداف پژوهش

هدف از انجام این پژوهش بررسی تغییرات محرک‌های محافظه کاری مشروط حسابداری در ارتباط با نیازهای تأمین مالی است. نتایج این پژوهش می‌تواند به مدیران کمک کند تا رویکرد بهتری جهت تأمین مالی با کمترین هزینه سرمایه اتخاذ کنند. همچنین نتایج پژوهش می‌تواند در ارزیابی بهتر اوراق بهادار توسط تحلیلگران و سرمایه‌گذاران در بازارهای اولیه، مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا در صورت اثبات فرضیه‌های پژوهش، واحدهای تجاری در دوره‌های تأمین مالی، سطح محافظه کاری مشروط را کاهش می‌دهند. بدین معنی که اخبار و اطلاعات بد و نامساعد را پوشش داده و اخبار خوب و مساعد را برجسته می‌کنند. اعتبار دهندگان نیز با استفاده از نتایج پژوهش می‌توانند در ارزیابی یا عدم ارزیابی اعتبار به واحدهای تجاری تصمیم‌گیری بهتری داشته باشند.

ساختار مقاله بدین صورت است که در بخش بعد پیشینه‌ی پژوهش آورده شده است. در ادامه به بررسی فرضیه‌های پژوهش، مبانی نظری آنها و تعریف عملیاتی متغیرها پرداخته شده است. بعد از بیان فرضیه‌های پژوهش به آزمون فرضیه‌ها خواهیم پرداخت. آخرین بخش هم شامل خلاصه و نتیجه‌گیری، پیشنهادهای کاربردی، محدودیتهای پژوهش و پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی خواهد بود.

### ۲- روش تحقیق

این پژوهش از جهت روش شناسی از نوع شبه تجربی و پس رویدادی و در حوزه پژوهشهای اثباتی حسابداری است که با اطلاعات واقعی انجام میشود و از لحاظ ماهیت و اهداف از نوع کاربردی است. اطلاعات واقعی نیز از گزارش‌های مالی استخراج شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است.

در انجام این پژوهش از اطلاعات سال شرکت، به روش مقطعی استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۲ است که برای به دست آوردن درصد تأمین مالی در دوره مورد نظر و دوره قبل از آن محدوده زمانی پژوهش تا سال ۸۴ گسترش پیدا کرده است. روش نمونه‌گیری از نوع حذفی است. بدین ترتیب شرکت‌ها باید ویژگیهای زیر را داشته باشند تا عضو نمونه منظور شوند.

۱- سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد؛

۲- شرکت‌ها نباید سال مالی خود را تغییر داده باشند؛

۳- شرکت‌ها مربوط به واسطه‌گری مالی نباشند؛ زیرا ماهیت آنها متفاوت از سایر شرکت‌های عضو است؛

۴- معاملات سهام شرکت بیش از ۴ ماه وقفه نداشته باشد؛

۵- اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها در دوره مورد نظر و دو دوره قبل از آن در دسترس باشد (تا بتوان درصد تأمین مالی از طریق بدهی بلندمدت یا حقوق صاحبان سهام در دوره مورد نظر و دوره قبل از آن را محاسبه کرد) این پژوهش از دو بخش تشکیل شده؛ در بخش اول تغییرات محافظه کاری مشروط در سال تأمین مالی بررسی شده است که در این بخش پس از حذف مشاهدات فاقد شرایط گفته شده، تعداد ۱۰۵۱ سال-شرکت به عنوان مشاهدات پژوهش باقی مانده است. در قسمت دوم نیز

تغییرات محافظه کاری مشروط در سال قبل از تأمین مالی ارزیابی شده که در این قسمت به علت لزوم در دسترس بودن اطلاعات شرکت ها در دوره قبل و دوره حاضر (دو سال پیاپی) تعداد مشاهدات به ۸۵۱ مورد کاهش یافته است.

### مدل های آزمون فرضیه های پژوهش

جهت سنجش معیار محافظه کاری مشروط از مدل باسو استفاده شده است. او بیان میکند که بازده حسابداری (نسبت سود قبل از اقلام غیر مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره) و بازدهی بازار، هر دو معیاری برای اندازه گیری تغییرات ایجاد شده در ثروت سهامداران هستند. به دلیل وجود محافظه کاری مشروط اخبار بد زودتر از اخبار خوب در بازده حسابداری منعکس میشوند، اما به دلیل متنوع بودن منابع اطلاعاتی بازار، تا حدودی هر دو نوع اخبار خوب و بد در بازدهی بازار منعکس میشوند. او در ادامه اظهار میکند که با اندازه گیری تفاوت پاسخ سود نسبت به اخبار خوب و بد می توان محافظه کاری مشروط را اندازه گیری کرد. باسو مدل رگرسیونی خود را به صورت زیر ارائه کرد:

$$EARN_t = \alpha_0 + \beta_0 * DUM_{it} + \beta_1 * RET_{it} + \beta_2 * (DUM_{it} * RET_{it}) + \varepsilon$$

در این مدل  $i$  و  $t$  بیانگر شرکت ام در دوره زمانی  $t$  و  $EARN$ ، بیانگر بازدهی حسابداری است.  $RET$  حاصل بازدهی سرمایه و بازدهی سود ناشی از خرید و نگهداری اوراق سهام و  $DUM$ ، متغیر مصنوعی است که در صورتی که بازدهی مثبت باشد برابر صفر و برای بازده های منفی برابر یک خواهد بود.

در رابطه ی رگرسیونی گفته شده  $\beta_1$  پاسخ سود را نسبت به بازده ای مثبت اندازه گیری می کند.  $\beta_2 + \beta_1$  پاسخ سود را نسبت به بازده های منفی اندازه گیری می کنند. در صورتی که  $\beta_2 + \beta_1$  بزرگ تر از  $\beta_1$  باشد یعنی  $\beta_2 > 0$ ، در این صورت محافظه کاری وجود دارد؛ زیرا در این صورت پاسخ سود نسبت به اخبار بد (بازدهی منفی) بهتر پاسخ سود به اخبار خوب (بازدهی مثبت) است. باسو ضریب  $\beta_2$  را معیار عدم تقارن زمانی سود نامید.

مدل مورد استفاده برای آزمون ارتباط بین ساختارهای تأمین مالی و تغییرات سطح محافظه کاری مشروط حسابداری اندیشمندان اغلب برای مطالعه عوامل مؤثر بر روی محافظه کاری مشروط ساختارهایی را به مدل باسو اضافه کرده و پاسخ آن عوامل به سود را بررسی میکنند. مشابه مدل کارونا و فلسام، در این پژوهش نیز ساختارهای تأمین مالی به مدل باسو اضافه شده و مدل زیر استفاده شده است.

$$EARN = \alpha_0 + \beta_0 * DUM + \beta_1 * FIN_{it} + \beta_2 * CONTROLS_{it} + \beta_3 * (DUM_{it} * FIN_{it}) + \beta_4 * (DUM_{it} * CONTROLS_{it}) + \beta_5 * RET_{it} + \beta_6 * (RET_{it} * FIN_{it}) + \beta_7 * (RET_{it} * CONTROLS_{it}) + \beta_8 * (DUM_{it} * RET_{it}) + \beta_9 * (DUM_{it} * RET_{it} * FIN_{it}) + \beta_{10} * (DUM_{it} * RET_{it} * CONTROLS_{it}) + e$$

در صورت معنادار بودن ضریب  $\beta$  وجود ارتباط بین ساختارهای تأمین مالی و محافظه کاری مشروط حسابداری اثبات می شود؛ زیرا منفی بودن ضریب  $\beta$  بدین معنی است که در مواقع تأمین مالی اخبار و علائم بد (بازدهای منفی) کمتر در سود حسابداری منعکس می شوند.

### متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته:

بازده حسابداری ( $EARN$ ):

نسبت سود قبل از اقلام غیر مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای سال مالی.

متغیرهای مستقل:

بازده بازار سهام ( $RET_{it}$ ): نشان دهنده ی بازدهی (سرمایه و سود) دوزاده ماهه (ابتدای تیر تا پایان خرداد) هر یک از شرکت ها است. این متغیر برابر با حاصل جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در پایان دوره و میزان سود تقسیمی به کسر ارزش

بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره و آورده نقدی صاحبان سرمایه، به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره خواهد بود.

ساختارهای تأمین مالی (FINit): این متغیر بیانگر ساختارهای تأمین مالی است. جهت رعایت اختصار از آوردن همه این ساختارها در فرمول خوداری شده است. ابعاد این ساختارها در زیر تشریح میشوند.

تأمین مالی از طریق بدهی (DEBT\_INDit): یک متغیر مصنوعی بوده و در صورتیکه واحد تجاری در دوره‌های بیشتر از ۵٪ بدهی های بلند مدت خود در ابتدای دوره تأمین مالی کرده باشد برابر ۱ و در غیر اینصورت صفر خواهد بود.

تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام (SEO\_INDit): یک متغیر مصنوعی بوده و در صورتیکه واحد تجاری در دوره‌های بیشتر از ۵٪ حقوق صاحبان سهام خود در ابتدای دوره تأمین مالی کرده باشد برابر ۱ و در غیر اینصورت صفر خواهد بود.

تأمین مالی از طریق بدهی در دوره قبلی (PRIORDEBT\_INDit): یک متغیر مصنوعی بوده و در صورتیکه واحد تجاری در دوره قبلی بیشتر از ۵٪ بدهیهای بلندمدت خود در ابتدای دوره تأمین مالی کرده باشد برابر ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام در دوره قبلی (PRIOR SEO\_INDit): یک متغیر مصنوعی بوده و در صورتیکه واحد تجاری در دوره قبلی بیشتر از ۵٪ حقوق صاحبان سهام خود در ابتدای دوره تأمین مالی کرده باشد برابر ۱ و در غیر این صورت صفر.

متغیر مصنوعی (DUM): در صورت منفی بودن بازده شرکت ۱ و در غیر اینصورت صفر

#### متغیرهای کنترلی

نمره رقابت (COMP\_SCOER): همچنان که بیان شد، یکی از عوامل مهم ایجاد محافظ همکاری مشروط، فشارها و تهدیدات ناشی از رقابت است؛ بنابراین برای کنترل اثر آن بر روی محافظه کاری مشروط از آن به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده است. رقابت در بازار ابعاد متفاوتی دارد که مهمترین آنها حجم تقاضا (فروش)، حجم سرمایه مورد نیاز در بخش داراییهای ثابت مشهود و تعداد شرکت های فعال در هر یک از واحد تجاری هستند. هر چقدر حجم تقاضا و تعداد شرکت های عضو یک صنعت بیشتر باشد، رقابت نیز بیشتر است و با کمتر شدن میزان سرمایه لازم در بخش داراییهای ثابت رقابت نیز بیشتر است. با ترکیب ابعاد اشاره شده در بالا یک متغیر ترکیبی برای سنجش رقابت به دست آورده شده است. نحوه عمل بدین صورت است که ابتدا دهکهای اعداد به دست آمده برای هر یک از ابعاد رقابت را محاسبه و به پایینی دهک حجم داراییهای ثابت نمره ۱۰ و به دهک دوم نمره ۹ و ... به دهک دهم نمره ۱ اختصاص مییابد. به علت اینکه مقادیر بالای حجم تقاضا و تعداد شرکت ها نشان دهنده رقابت بیشتر بودند؛ بنابراین نحوه عمل برای این دو متغیر عکس خواهد بود (به دهک دهم نمره ۱۰ و ... با جمع این نمره ها و تقسیم آن به عدد ۳۰ (بالاترین نمره ممکن) نمره ترکیبی (COMP\_SCOER) به دست می آید. بدین ترتیب مقادیر بالاتر این متغیر گویای رقابت شدید هستند.

اهرم (LEV): نسبت بدهیهای بلند مدت به غیر از ذخیره مزایای پایان خدمت به کل دارایی ها.

### ۳- نتایج

#### آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی پژوهش در جدول شماره (۱) خلاصه شده است. همچنانکه مشاهده میشود، تعداد مشاهدات ۱۰۵۱ مورد است. البته تعداد مشاهدات تأمین مالی از طریق بدهیها و حقوق صاحبان سهام در دوره قبل، ۸۵۱ مورد است که آمار

توصیفی این متغیرها بسیار نزدیک به تأمین مالی از طریق بدهی و حقوق صاحبان سهام در دوره حاضرند. جهت رعایت اختصار از آوردن متغیرهایی که حاصلضرب متغیرهای اصلی بودند، خودداری شده است. همچنانکه در جدول مشاهده میشود، متوسط بازده حسابداری نمونه ۱۵٪ است در حالیکه متوسط بازده بازار عدد ۲۲٪ را نشان میدهد. علاوه بر این ۳۸٪ نمونه بازدهی منفی را تجربه کردند. ۳۲٪ نمونه از طریق بدهی تأمین مالی کرده اند در صورتیکه ۲۲٪ از طریق حقوق صاحبان سهام تأمین مالی کردند. سایر اطلاعات از قبیل نماد تعداد مشاهدات حداقل و حداکثر، میانگین و انحراف معیار متغیرها در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهده	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
بازده حسابداری	EARN	۱۰۵۱	-۳.۲۸	۱.۲۹	۰.۱۵	۰.۲۴
بازده بازار	RET	۱۰۵۱	-۰.۹	۷.۴۷	۰.۲۲	۰.۴۸
متغیر مصنوعی	DUM	۱۰۵۱	۰	۱	۰.۳۸	۰.۴۵
تأمین مالی از طریق بدهی	DEBT_IND	۱۰۵۱	۰	۱	۰.۳۲	۰.۴۲
تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام	SEO_IND	۱۰۵۱	۰	۱	۰.۲۲	۰.۴۶
تأمین مالی از طریق بدهی در دوره قبل	DEBT_IND <sub>t-1</sub>	۸۵۱	۰	۱	۰.۳۱	۰.۴۳
تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام در دوره قبل	SEO_IND <sub>t-1</sub>	۸۵۱	۰	۱	۰.۲۳	۰.۴۶
اهرم شرکت	LEV	۱۰۵۱	۰	۸۹	۰.۰۶	۰.۱۰
نمره رقابت	COMP_SCOER	۱۰۵۱	۰.۰۶	۰.۹	۰.۴۵	۰.۲۰

جدول شماره (۲) ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرها را نشان میدهد. در این جدول نیز از بیان بقیه متغیرهای مدل که حاصلضرب متغیرهای اصلی هستند، خودداری شده است. همچنانکه در جدول مشخص است ارتباط بین بازده حسابداری و بازده بازار، مثبت و معنادار است. علاوه بر این تأمین مالی از طریق بدهیها، در سال تأمین مالی و سال قبل از آن، بر روی بازده حسابداری تأثیر معناداری ندارد. بدین معنی که سود حسابداری تحت تأثیر تأمین مالی از طریق بدهیها نیست. اما شرکت هایی که همان سال یا سال قبل از آن از طریق حقوق صاحبان سهام تأمین مالی کرده باشند، سود حسابداری بیشتری نیز گزارش کردند. در نهایت ارتباط بین بازده حسابداری و اهرم شرکت منفی است. علاوه بر این، درجه اهرم بالای واحدهای تجاری نتیجه تأمین مالی بیشتر از طریق بدهیها است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرها

متغیر	متغیر	بازده حسابداری	بازده بازار	متغیر مصنوعی	تأمین مالی (بدهی) در زمان T	تأمین مالی (حقوق صاحبان) در زمان T	تأمین مالی (بدهی) در زمان T-1	تأمین مالی (حقوق صاحبان) در زمان T-1	نمبره رقابت	اهرم
EARN		۱								
RET		۰.۲۷۱***	۱							
DUM		-۰.۰۲	-۰.۰۶***	۱						
DEBT_IND		-۰.۰۱	-۰.۰۵	۰.۰۱	۱					
SEO_IND		-۰.۰۷**	۰.۱۸**	-۰.۱۵***	۰.۰۵	۱				
PRIORDEBT_IND		-۰.۰۳	-۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۲۱***	۰.۰۳	۱			
PRIORSEO_IND		-۰.۰۶**	-۰.۰۷**	۰.۰۶	۰.۰۴	۰.۰۲	۰.۰۵	۱		
COMP_SCOER		۰.۰۱	۰.۰۰	-۰.۰۵	-۰.۱۱***	۰.۰۶**	-۰.۱۵***	۰.۰۲	۱	
LEV		-۰.۰۸**	-۰.۰۵	۰.۰۷**	۰.۳۹***	۰.۰۰	۰.۳۶***	۰.۰۰	-۰.۲۶***	۱

\*\*\* در سطح ۱٪، \*\* در سطح ۵٪ و \* در سطح ۱۰٪

## آزمون مدل باسو

جهت بررسی تغییرات سطح محافظه کاری مشروط، ابتدا باید وجود محافظه کاری مشروط اثبات شود. برای این منظور از مدل باسو استفاده شده است. همانطور که در جدول (۳) مشخص است فرض وجود محافظه کاری مشروط در بورس اوراق بهادار تهران با سطح اطمینان ۹۹.۹۹ درصد تأیید میشود. زیرا ضریب  $DUM_{it} * RET_{it}$  مثبت و معنادار است. به عبارت دیگر پاسخ سود به اخبار و علائم بد و نامسائد (بازدههای منفی) با ضریب  $0/168$ ، بیشتر از پاسخ سود به اخبار و علائم خوب و مساعد (بازدههای مثبت) با ضریب  $0/051$  است. این یافته با نتایج کارهای از قبیل مدل (باسو، واتس و فلسام) مطابقت دارد.

جدول ۳: آزمون مدل باسو (۱۹۹۷)

سطح معناداری	آماره آزمون	بتا (غیر استاندارد)	پیش بینی علامت	مقدار ثابت
۰.۰۰۰	۱۴.۳۹۲***	۰.۱۶۰۵	+/-	
۰.۰۷۵	-۱.۹۰۸*	-۰.۳۵۸	+/-	
۰.۰۰۰	۳.۹۳۳***	۰.۰۵۱	+	
۰.۰۰۰	۵.۷۳۳***	۰.۱۶۸	+	
۰.۱۱ = ضریب تعیین تعدیل شده				
۱۸۴ = آماره دورین واتسون				
۷۱.۲۲ = آماره f (anova) ***				

پس از اثبات وجود محافظه کاری مشروط این موضوع بررسی میشود که آیا بازده حسابداری تحت تأثیر تأمین مالی قرار میگیرد یا خیر؟ به عبارت این آیا واحدهای تجاری در دورههای تأمین مالی یا دورهی قبل از آن، اخبار و علائم بد را کمتر در بازده حسابداری شناسایی میکنند یا خیر؟ یا واحدهای تجاری در دورههای تأمین مالی یا دورهی قبل از آن، سطح محافظه کاری



مشروط حسابداری را کاهش میدهند یا خیر؟ نتایج آزمون مدل در جدول (۴) خلاصه شده است. در این مدل منظور از متغیر FIN ساختارهای تأمین مالی و CONTROLS متغیرهای کنترلی هستند.

### بررسی مفروضات مدل ها

آماره F آماره دوربین واتسون و ضریب تعیین تعدیل شده در هر دو رگرسیون نشان دهنده‌ی به ترتیب، معنادار بودن، رگرسیون، نبود مشکل خودهمبستگی و قدرت توضیح دهنده‌ی قابل قبول مدلها هستند. علاوه بر این به علت وجود مقدار ثابت، میانگین خطاها برابر صفر خواهد بود. چون ضریب تعیین مدلها معقول و آماره معنادار<sup>t</sup> در هر دو مدل مشاهده میشود؛ بنابراین، متغیرهای مستقل از همدیگر استقلال دارند.

جدول ۴: آزمون ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه کاری مشروط حسابداری

$EARN = \alpha_0 + \beta_0 * DUM + \beta_1 * FIN_{it} + \beta_2 * CONTROLS_{it} + \beta_3 * (DUM_{it} * FIN_{it}) + \beta_4 * (DUM_{it} * CONTROLS_{it}) + \beta_5 * RET_{it} + \beta_6 * (RET_{it} * FIN_{it}) + \beta_7 * (RET_{it} * CONTROLS_{it}) + \beta_8 * (DUM_{it} * RET_{it}) + \beta_9 * (DUM_{it} * RET_{it} * FIN_{it}) + \beta_{10} * (DUM_{it} * RET_{it} * CONTROLS_{it}) + e$				
$FIN_{it} = DEBT - IND, SEO - IND, PRIORDEBT - IND, PRIORSEO - IND$				
$CONTROLS_{it} = COMP - SCOER, LEV$				
عنوان متغیرها	علامت پیش‌بینی شده	بتا (غیر استاندارد)	آماره آزمون	سطح معناداری
مقدار ثابت	+/-	۰.۱۰۸	۳.۳۶۳	۰.۰۰۱
DUM	+/-	۰.۱۶	۰.۷۰۵	۰.۴۸
DEBT-IND	+/-	۰.۰۱۳	۰.۴۰۸	۰.۶۸
SEO-IND	+/-	۰.۰۵۴	۱.۹۶	۰.۰۵۱
PRIORDEBT-IND	+/-	-۰.۰۲۳	-۰.۷۵	۰.۴۴
PRIORSEO-IND	+/-	۰.۰۴۴	۱.۳۱۹	۰.۱۸
COMP_SCOER	+/-	۰.۱۵۱	۲.۴۷	۰.۰۱۴
LEV	+/-	-۰.۰۷۳	-۰.۴۹۶	۰.۶۲
DUM* DEBT-IND	+/-	-۰.۰۵۷	-۱.۰۳۰	۰.۳۶
DUM* SEO-IND	+/-	-۰.۰۵۷	-۰.۸۲۳	۰.۴۰
DUM* PRIORDEBT-IND	+/-	۰.۰۸۶	۱.۶۴۹	۰.۰۹
DUM* PRIORSEO-IND	+/-	۰.۰۰۹	۰.۱۵۸	۰.۸۷
DUM*COMP_SCOER	+/-	-۰.۱۰۵	-۱.۴۸۵	۰.۰۱۳
DUM* LEV	+/-	۰.۰۸۵	۰.۳۱۶	۰.۷۵
RET	+	۰.۱۰۸	۲.۵۸۹	۰.۰۱

ادامه جدول ۴: آزمون ارتباط بین ساختارهای رقابتی و محافظه کاری مشروط حسابداری

عنوان متغیرها	علامت پیش‌بینی شده	بتا (غیر استاندارد)	آماره آزمون	سطح معناداری
RET* DEBT-IND	+/-	-۰.۰۰۷	-۰.۱۳۲	۰.۸۹
RET* SEO-IND	+/-	۰.۰۰۲	۰.۰۰۹	۰.۹۹
RET* PRIORDEBT-IND	+/-	۰.۰۱۰	۰.۲۴۲	۰.۸۰
RET* PRIORSEO-IND	+/-	۰.۸۵	۱.۶۶۹	۰.۰۹۵
RET*COMP-SCOER	+/-	۰.۰۲۴	۰.۳۹۶	۰.۷۶
RET* LEV	+/-	-۰.۲۱۴	-۱.۲۲	۰.۲۲
DUM* RET	+	۰.۲۳	۱.۹۸	۰.۰۴۹
DUM* RET* DEBT-IND	-	-۰.۱۷۷	-۱.۱۳	۰.۲۵
DUM* RET* SEO-IND	-	-۰.۰۶۶	-۱.۹۸۶	۰.۰۴۹
DUM* RET* PRIORDEBT-IND	-	۰.۲۱۶	۱.۴۲۳	۰.۱۵
DUM* RET* PRIORSEO-IND	-	-۰.۲۸۰	-۲.۰۰۴	۰.۰۴۶
DUM* RET*COMP-SCOER	+	۰.۱۱۹	۱.۶۹۳	۰.۰۹۳
DUM* RET* LEV	+	۰.۳۱۸	۲.۱۵۴	۰.۰۳
۰.۱۷۸ = ضریب تعیین تعدیل شده				
۱.۷۸۶ = آماره دوربین واتسون				
۵.۰۱۷ = آماره f (anova)				

### نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

بر اساس فرضیه اول انتظار داشتیم در صورتیکه واحدهای تجاری از طریق بدهیهای بلندمدت تأمین مالی داشته باشند در همان دوره تأمین مالی، سطح محافظه کاری مشروط را کاهش دهند. نتایج آزمون نشان داد ارتباط بین تأمین مالی از طریق بدهیهای بلند مدت و محافظه کاری مشروط معکوس (۰/۱۷۷) ولی از نظر آماری بی معنی است (ضریب RET\* DUM\* DEBT-IND به بیان دیگر واحدهای تجاری در دوره ای که از طریق بدهی بلندمدت تأمین مالی کرده اند، سطح محافظه کاری مشروط را در گزارشهای مالی کاهش نداده اند. این به معنای رد فرضیه اول در سطح پژوهش داخلی اطمینان ۹۵٪ درصد است. این یافته برخلاف یافته های جینگلی، فلام و ایکسلی است که در این زمینه در دسترس باشد موجود نیست. دلایل توجیهی این نتیجه به این صورت میتواند بیان شود که نخست؛ در کشور ما اخذ بدهی های بلند مدت تنها در قالب عقود اسلامی جهت خرید ماشین آلات و تجهیزات اعطا می شود و برای سایر امور مانند خرید سهام اعطا نمیشود. در ثانی برخلاف کشورهای خارجی، در کشور ما ارایه کننده گان تسهیلات مالی چندان توجهی به گزارشهای مالی واحدهای تجاری ندارند و پشتوانه اخذ وام های بلندمدت، بیشتر از آنکه وضعیت مالی واحدهای تجاری باشد، وثیقه های است که واحدهای تجاری در اختیار بانکها قرار می دهند.

مطابق فرضیه دوم انتظار داشتیم واحدهای تجاری در دوره‌های که از طریق حقوق صاحبان سهام تأمین مالی می‌کنند، به منظور بهبود انتظارات بازار سرمایه نسبت به عملکرد آتی خود سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش دهند. همچنان که در جدول (۴) مشخص است، ضریب (DUM\* RET\* SEO-IND)، ۰/۰۶۶ بوده و این فرضیه، در سطح اطمینان ۹۵٪ درصد تأیید می‌شود. به بیان دیگر شرکت‌ها در دوره‌های که از طریق حقوق صاحبان سهام تأمین مالی میکنند، اخبار و علائم بد (بازدهای منفی) را کمتر در سود حسابداری شناسایی میکنند و با این کار تصویر مناسبی از وضعیت مالی شرکت نشان میدهند تا تأمین مالی کارتری داشته باشند. این یافته با نتایج کار فلسام، ایکس‌لی و آرشیچ و کلارکسون، هماهنگ، ولی با یافته فرانسز ناهم‌هنگ است.

فرضیه سوم بیان می‌کند، شرکتها دوره قبل از تأمین مالی از طریق بدهی‌های بلندمدت، به‌منظور بهبود انتظارات از عملکرد آتی، سطح محافظت‌کاری مشروط خود را کاهش می‌دهند. ضریب (DUM\* RET\* PRIORDEBT-IND) (۰/۲۱۶) در جدول (۴) نشان دهنده رد این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪ است. بدین معنی که واحدهای تجاری قبل از دوره‌های که از طریق بدهی‌های بلند مدت تأمین مالی میکنند، سطح محافظه کاری مشروط خود را تغییر نمیدهند. این یافته با نتایج یافته‌های بوهید مغایر ولی مشابه یافته فلسام و بیگاسی، اسچانچنر و استین است دلایل توجیهی رد این فرضیه نیز مشابه فرضیه اول است.

بر اساس فرضیه چهارم شرکت‌ها، دوره قبل از تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام، به منظور بهبود انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی خود، سطح محافظت‌کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند. مطابق انتظار ضریب منفی (۰/۲۸۰) و معنادار (DUM\* RET\* PRIORSEO-IND) نشان دهنده تأیید این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪ است. این بدین معنی است که شرکت‌ها قبل از دوره‌ی تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام به منظور بهبود انتظارات بازار سرمایه، اخبار و علائم بد را کمتر در سود حسابداری (بازده حسابداری) شناسایی میکنند. این یافته با نتایج یافته‌های فلسام مطابقت دارد. البته در مدل فلسام نمونه محدود به شرکتهای رقابتی است.

#### سایر یافته‌های پژوهش

کارونا و فلسام اعتقاد دارند که فشارهای رقابتی دلیل اصلی اتخاذ رویکرد محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی است در این پژوهش نیز به‌منظور کنترل اثر رقابت بر روی محافظه کاری مشروط حسابداری، متغیر کنترلی رقابت به مدل اضافه شده است. نتایج نشان می‌دهد، بین رقابت و محافظه کاری مشروط در گزارش‌های مالی ارتباط مثبت ولی ضعیف (در سطح اطمینان) برقرار است. این یافته با نتایج کار کارونا، فلسام و کردلر و شهریاری مطابقت دارد. بین درجه اهرم و محافظه کاری مشروط حسابداری ارتباط مثبت و معنادار مشاهده می‌شود. این یافته با نتایج کار نوپس و احمد و همکاران (۲۰۰۲) مشابه است.

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیر ساختارهای تأمین مالی بر روی تغییرات سطح محافظه کاری مشروط بررسی شده است. همچنانکه بیان شد، عوامل اتخاذ رویکرد محافظه کارانه متنوع هستند. بر اساس یافته‌های فلسام، مهم‌ترین هزینه‌ی اتخاذ رویکرد محافظه کاری مشروط حسابداری، کاهش انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی واحدهای تجاری است. بنابراین انتظار می‌رود واحدهای تجاری در دوره‌های نیاز به منابع مالی سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش دهند. به منظور بررسی تغییرات سطح محافظه کاری مشروط در مواقع تأمین مالی، ساختارهای تأمین مالی به مدل باسو اضافه شده و مدل اصلی پژوهش به‌دست آمده است. نتایج آزمون نشان داد، برخلاف انتظار، شرکت‌ها در دوره تأمین مالی از طریق بدهی بلندمدت یا دوره قبل از آن، سطح محافظه کاری مشروط را کاهش نمیدهند. اما شرکت‌هایی که از طریق حقوق صاحبان سهام تأمین

مالی میکنند، هم در دوره‌ی تأمین مالی و هم دوره‌ی قبل از آن سطح محافظه کاری مشروط را به منظور بهبود انتظارات بازار سرمایه، کاهش میدهند.

بر اساس نتایج پژوهش مدیران بهتر است، در مواقعی که قصد تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام دارند، به منظور بهبود انتظارات بازار از عملکرد آتی واحد تجاری، سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش دهند. علاوه بر این سهامداران در مواقع افزایش سرمایه از طریق سود انباشته به این موضوع توجه کنند که مدیریت جهت متقاعد کردن آنها، سطح محافظه کاری مشروط را کاهش میدهند. همچنین تحلیلگران و سرمایه گذاران بازارهای اولیه باید این موضوع را در نظر داشته باشند که واحدهای تجاری در مواقع افزایش سرمایه سطح محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی را کاهش میدهند.

مهمترین محدودیت پژوهش این است که شرکت هایی که تلاش ناموفق در زمینه تأمین مالی داشته و سطح محافظه کاری را تغییر داده اند، در نظر گرفته نشده اند. از اینرو برای پژوهش های آتی پیشنهاد می شود، روش پژوهشی انتخاب کنند که این موارد را نیز مشمول شود. علاوه بر این لازم است تأثیر تأمین مالی بر تغییرات سطح محافظه کاری نامشروط نیز ارزیابی شود.

## منابع

۱. کردلر علی، شهریاری علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین هزینه های سیاسی فرضیه سیاسی و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۵۷): ۳-۱۶.
۲. کردستانی غلامرضا، مجدی ضیاء الدین. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین ویژگی های کیفی و هزینه سرمایه سهام عادی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۴ (۴۹).
۳. قائمی محمد حسین، ودیعی محمدحسین، حاجیپور میثم. (۱۳۸۹). تأثیر محافظه کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود، دانش حسابداری، ۲.

4. Artiacha T.C, Clarkson P.M. (2011). Disclosure, conservatism and the cost of equity capital: A review of the foundation literature. *Accounting and Finance*; 51: 2-49.
5. Bauwhede H.W. The Impact of Conservatism on the Cost of Debt: Conditional versus Unconditional Conservatism. (2007). Vlerick Leuven Gent Management School. <http://www.proquest.com>
6. Bigusy J, Schachner L. Stein, I. (2009). Relationship Lending and Conservative Accounting. <http://www.proquest.com>
7. Francis J & et al. (2004). Cost of Capital and Earnings Attributes; *Accounting Review*; 79: 967-1010.
8. Guay W, Verrecchia R.E. (2007). Conservative disclosure. Working paper, Wharton School of Business, University of Pennsylvania. <http://www.proquest.com>.
9. Iatridis G.E. (2011). Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism. *International Review of Financial Analysis*; 88-102.
10. Jing Li, J. (2009). Accounting Conservatism and Debt Contracts: Ecient Liquidation and Covenant Renegotiation. Columbia Business School; <http://www.proquest.com>
11. Karuna C. (2007). Industry product market competition and managerial incentives. *Journal of Accounting and Economics*; 43: 275-297.
12. Knoop C.D. (2010). A ccounting conservatism. Erasmus School of Economics.
13. Tao Ma M. (2010). Accounting Conservatism and Corporate Investment. Olin Business School Washington University; <http://www.proquest.com>.

14. Watts R.L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*; 17 (3): 207-221.
15. Xi Liy x. (2010). Accounting conservatism and the cost of capital: international analysis. London Business School; [http://www .proquest.com](http://www.proquest.com).

# Examine the relationship between financing with changes of conservative stimulating of accounting in firms listed in the Tehran Stock Exchange

Akbar Amini Mehr<sup>1\*</sup>, Maryam Sardari Kaviani<sup>2</sup>

<sup>1,2</sup> *Department of Accounting, Payame Noor, University, Iran*

---

## Abstract

In this study, the effect of financing on the changes of conditional conservatism in financial reporting is studied. For this purpose the information of firms listed in the Tehran Stock Exchange in the years 2006 to 2014 has been used. Basu model was used to assess the conditional conservatism. Financing structures have been added to the Basu model in order to study the impact of financing on the conditional conservatism. Results indicated that firms that are financing via long-term debts neither on the contrary, not reduce conditional conservatism neither in the financing period nor during the period before it but companies that are financing via the equity fund, as expected, both in terms of financing and in the earlier period, reduce the level of conditional conservatism in financial reporting because it can improve investors' expectations and stakeholders from the future performance of the company and have most effective financing.

**Keywords:** Finance, conservatism, stock

---